

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

محمد عبدی پور*

۲۹ می ۲۰۱۳

موانع و ضرورت های پیشروی جنبش کارگری

مقدمه

جنبش رزمنده کارگری ایران، طی چند سال گذشته همواره با دو سد بلند تشکل یابی و تحزب مواجه بوده است. این جنبش با تمام فراز و نشیب هایش و به اندازه توان و عمق انکشاف مبارزه طبقاتی و توازن قواء، علیه جریان های برخاسته از سه جانبه گرایی و رفرمیستی و تشکلهای متکی به جناح های مختلف سرمایه داخلی و خارجی (اعم از سندیکا های زرد دولتی، خانه کارگرتا سازمان های وابسته به امپریالیسم مانند سولیداریتی سنتر) ایستاده است. با وجود نقدهای بی پایه و اساسی که اخیراً نفی موجودیت جنبش کارگری را هدف گرفته است، مستقل از نقاط ضعف و قوت و موفقیت دفاعی یا تعرضی واقعیت این است که در جامعه سرمایه داری جنبش کارگری همیشه جاری و در جریان بوده است. این جنبش خلاف جنبش های موسوم به زنان و دانشجویان، اقوام تحت ستم و غیره بناء به ذات متناقض نظام اجتماعی تولید سرمایه داری و به دلیل تضاد آشتی ناپذیر میان کار – سرمایه به متن جامعه پیوند خورده است. تحلیل های متفاوت از مفهوم جنبش، تشکل و تحزب نمی تواند به دلیل ضعف سازمانیابی و تشتت طبقه از انکار جنبش کارگری سخن بگویند. فقدان تشکل های توده ای کارگری و فقدان یک حزب سیاسی کارگری متکی به فعالان آگاه و پیشروان مبارز دلیل موجهی بر نفی جنبش کارگری نیست.

موانع تشکل یابی

ناگفته پیداست که استبداد سیاسی مهم ترین عامل بازدارنده ایجاد تشکل های کارگری مستقل است. اما به جز مانع مستقیم استبداد می توان به عوامل دیگری که ایجاد تشکل کارگری را به تأخیری اندازد اشاره کرد. فقر، فلاکت، بیکاری و ضعف شدن قدرت خرید و کاهش توان مالی کارگران از این دلایل مهم است و متأسفانه باید گفت که فشار تحریم ها و فقیر تر شدن کارگران امکان تشکل یابی را دشوار تر کرده است. با وجود خیل عظیم بیکاران در اقصی نقاط ایران و نبود امکانات معیشتی مناسب در کنار ترس از گرسنگی و خطر بیکاری، قدرت سازمانیابی کارگری به شدت تضعیف شده است. خلاف نظر افراد و احزاب بی ربط به طبقه کارگر، از درون فشار تحریم و تعمیق خط فقر، هیچ گشایشی در راستای پیشروی جنبش کارگری صورت نمی گیرد. اگر فقر و نارضایتی باعث انقلاب می شد اکنون در تمام کشورهای فقیر باید انقلاب های کارگری شکل می گرفت. همچنین در نتیجه گسترش تحریم ها هزینه های زیستی مردم کارگر و

زحمتکش نیز بالاتر رفته است. من به عنوان یک فعال کارگری معتقدم که شرایط وخیم اقتصادی کنونی جنبش کارگری را از حالت مقابله و تعرض به وضعیت تدافعی کشیده است و اگر این روند ادامه یابد کارگران ناگزیر می شوند به خاطر تنازع بقاء هم که شده به خیلی از فشارهای کارفرمایان تمکین کنند.

تشکل و اتحاد تنها راه ...

کارگران در جریان مبارزه طبقاتی آبدیده می شوند و در می یابند که تنها راه مقابله با مشکلات روزمره زندگی (کاهش دستمزد ها اخراج، بیکاری و...) تنها راه مبارزه با استثمار در ایجاد تشکل های مستقل کارگری نهفته است. هیچ کارگری نمی تواند به تنهایی در برابر کارفرما ایستادگی کند. در طول تاریخ، طبقات حاکم از طریق منزوی کردن فروشندگان نیروی کارکوشیده اند به سود بیشتر دست یابند. از یک سو سرمایه داران برای غلبه بر مبارزه کارگران انواع و اقسام اتاق های بازرگانی می سازند و از سوی دیگر از طریق ایجاد سندیکا های زرد و رفرمیست و معامله و زد و بند با "رهبران" شناخته شده، جنبش کارگری را مهار کنند. نفوذ در میان تشکل های کارگری و به سازش کشیدن فعالان و پیشروان آنها از جمله اقدامات سرکوبگرانه سرمایه داران است. همچنین تقلیل یا انحراف مبارزه طبقاتی کارگران به محور مطالبات صرفا صنفی و سطحی از دیگر ترفند های سرمایه داران است. کارگران باید بیاموزند که فقط با تکیه بر نیروی خود و هم طبقه ای هایشان از استثمار آزاد می شوند و در این راه باید از همان ابتداء استقلال مالی داشته باشند. همین استقلال مالی از نهادهای سرمایه سالار و امپریالیستی ضامن تداوم مبارزات جنبش کارگری و جلوگیری از نفوذ خطر فساد است.

تشکل سیاسی کارگری

همانطور که گفتیم مبارزه کارگری در قالب مبارزات صنفی خلاصه نمی شود. کارگران آگاه می دانند برای رفع نهای استثمار و رهایی کل جامعه باید به ریشه های سرمایه داری حمله کرد. ابزار چنین حمله ای حزب سیاسی طبقه کارگر است. کارگران مبارز می دانند که حزب کارگری از طریق اتحاد فعالان و پیشروان آگاه طبقه کارگر، پشتیبانی توده های کارگر مبارز و متحد شدن تشکل های مستقل و سرمایه ستیز بیرون می آید. اتحاد عمل احزاب و سازمان های بیرون از گود مبارزه که هیچ نفوذی در جنبش کارگری ندارند نمی تواند به ایجاد حزب کارگری کمک کند. اتحاد یا انشعاب گروه های بی ربط به طبقه کارگر قادر نیست افقی برای ایجاد حزب کارگری بگشاید. متحدین طبقه کارگر در میان روشنفکران انقلابی مخالف سرمایه داری، دانشجویان، پرستاران، معلمان و همه فروشندگان نیروی کار وجود دارند. البته مهمترین مسأله برای طبقه کارگر این است که مبارزه طبقاتی وقتی می تواند به قدرت واقعی خود تکیه بزند که به نیروی تعیین کننده خانواده های کارگری و به طور مشخص زنان استوار شود. بدون همراهی و همیاری زنان که به طور مستقیم (زنان کارگر) و غیر مستقیم (زنان خانه دار) با استثمار دست به گریبان هستند جنبش کارگری نمی تواند به اهداف خود دست یابد. حزب طبقه کارگر بایستی از بطن مبارزات و از درون جنبش رزمنده کارگری و عناصر سازماندهنده و تشکل یاب آن ساخته شود. احزابی که در مبارزات کارگری هیچ نقشی ندارند و با سکتاریزم خود در میان فعالان کارگری بذر تفرقه می افشانند نمی توانند داعیه رهبری طبقه کارگر داشته باشند. کارگران فقط با اتکاء به قدرت طبقاتی خود و به پشتوانه توان مبارزاتی و نیروی آشتی ناپذیرشان علیه سرمایه داری می توانند از قید و بند استثمار آزاد شوند

* عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری